

اساسنامه جبهه متحد ضد امپرياليسم و ارتجاع - افغانستان

فصل اول

بند ۱ - اسم و تعريف

اسم: اسم كامل اين نهاد ، جبهه متحد ضد امپرياليسم و ارتجاع - افغانستان مي باشد كه در متن اين اساسنامه به اختصار « جبهه...» خوانده ميشود.

تعريف : « جبهه...» يك نهاد دموكراتيك انقلابي همه افراد و نيروهاي انقلابي ، مترقي و آزاديخواهي ميباشد كه به اساسنامه و پلتفرم سياسي آن متعهد بوده و جهت دسترسي به اهداف آن مشتركاً فعاليت و مبارزه ضد امپرياليسيستي و ضد ارتجاعي مينمايند.

«جبهه...» نه حزب و نه بكدام حزب سياسي وابسته ميباشد. آزادي اندیشه و بيان يكي از اصول بنيادين دموكراتيك « جبهه...» را تشكيل ميدهد.

«جبهه...» از اصل رهبري جمعي و مسؤليت فردي پيروي مينمايد.

فصل دوم

بند ۲ - اهداف و وظائف

الف : جلب و جذب همه افراد آزاده و غير وابسته به امپرياليسم و ارتجاع و سازماندهي شان براي يك مبارزه متشكل ، فعال و قاطع در راستاي نيل به آزادي و استقلال كشور از زير سلطه امپرياليسم و ارتجاع.

ب : « جبهه...» خواهان برقراري يك دولت مستقل ، دموكراتيك و سكولار در افغانستان ميباشد كه ممثل راستين اراده آزاد مردم باشد؛ احترام عملي و صيانت كلييه حقوق و آزادي هاي دموكراتيك (فردي و جمعي) مندرج در قانون اساسي براي همه اتباع كشور بطور مساوي ، يكي از اساسي ترين وظائف اين دولت ميباشد.

ج : مبارزه در جهت تأمين و تحكيم وحدت داوطلبانه ملي همه اقوام و مليت هاي ساكن كشور برميناي تساوي حقوق ؛ افشا و طرد هرگونه گرايشات تفوق جويانه نژادي ، قومي ، ملي ، مذهبي و زباني . اصل رهنما در اين راستا ، همانا اعتقاد به « حق ملل در تعيين سرنوشت خویش » ميباشد.

د : مطالبه پيگير جهت محاكمه تاممي خائنين ملي و جنائتكار (خلقي ، پرچمي ، جهادي ، طالبی و تشكيل دهندگان دولت دست نشانده فعلي- دولت كرزي-) در دادگاه عادلانه مردم بمتابه يك ضرورت انصراف ناپذير تأمين صلح ، ثبات و استقرار اجتماعي سياسي در كشور.

ذ : مبارزه قاطع عليه هر نوع سازشكاري ، معامله گري و توطئه بر دستآورد ها و ثمرات خون و بيكار جانگداز شهدي راه آزادي و انقلاب كشور.

ر : طرح و پیگیری مسأله جبران خسارات وارده بر کشور و مردم افغانستان در طی بیش از دو دهه دست درازي و مداخله خارجي؛ عاملین مستقیم ویرانی کشور در طی اینمدت - در سطح خارجي- قبل از همه عبارتند از: اتحاد شوروي سابق و اینک وارث آن فدراسیون روسیه ، اضلاع متحده امریکا ، اتحادیه اروپا ، پاکستان ، ایران ، عربستان سعودی و امارات متحده عربي.

ز : رهایی زنان از ستم جنسي ، ملي ، طبقاتي و تمامی قیود ذلتبار اجتماعي ، یکی از اساسي ترین خواسته های سرنوشت ساز در اوضاع جاری و مرحله تکاملي جامعه است؛ مبارزه در این راستا برپایه تأمین تساوي حقوق میان زن و مرد در تمامی شئون زندگی - اقتصادي ، سياسي ، اجتماعي و فرهنگی - یکی از وظایف اساسي « جبهه...» میباشد.

س : بذل مساعي براي ایجاد فضاي مساعدی از تفاهم و همکاری و وارد شدن در اتحاد عمل های مبارزاتي با سایر افراد ، جریانات و نیروهای دموکراتیک ، آزادیخواه و انقلابي در سطح ملي ، منطقه و جهان ، بر مبنای پلتفرم و اساسنامه « جبهه. »

ش : برگزاری و سهمگیری در اکسیون های مؤثر و مشترک سياسي ، فرهنگی با جهتگیری ترقیخواهانه و ضد رجعتگرایی.

ص : دایر نمودن سمینار های علمي معلوماتي پیرامون اوضاع سياسي ، اجتماعي ، اقتصادي و فرهنگی افغانستان و جهان در جهت رشد و ارتقای سطح آگاهی های اعضاي « جبهه...» و سایر علاقمندان.

ض : دفاع از حقوق زندانیان سياسي آزادیخواه ، دموکراتیک و انقلابي.

ط : دفاع از حقوق پناهندگان سياسي و خواسته های برحق شان به استثنای جنایتکاران « خلقي » ، پرچمي ، جهادي ، طالبی و همکیشان شان.

ظ : دفاع از مبارزات ضد راسیستی در سراسر جهان.

ع : سازماندهی و نشر « قطب نما » بمثابه ارگان مرکزی « جبهه...» برای تبلیغ و ترویج نظرات و مواضع سياسي « جبهه...» و سایر جریانات انقلابي ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی.

فصل سوم

بند ۲ - عضویت در "جبهه..."

الف : هر فرد غیر وابسته به امپریالیسم و ارتجاع در صورتیکه پلتفرم و اساسنامه « جبهه...» را قبول و در جهت تحقق اهداف آن فعالانه مبارزه نماید ، میتواند عضو « جبهه...» گردد.

ب: وطنفروشان و جمله خائنین به میهن مانند افراد « خلقي » ، پرچمي ، جهادي و طالبی و دیگر نوکران و وابستگان امپریالیسم نمیتوانند عضویت « جبهه...» را حاصل نمایند.

ج : عضویت در « جبهه...» به تقاضای تحریری صورت گرفته و با تضمین دو تن از اعضاي « جبهه...» و گذراندن يك دوره آزمایشی سه ماهه با تأیید هیأت مسؤلان عملي میگردد.

د : هر فرد عضو مکلف است که ماهانه مبلغ 5 یورو را بعنوان حق العضویت به کمیته مالي بحساب « جبهه...» تأدیه نماید.

ذ : از عضویت در « جبهه...» هیچگونه تمتع مالي متصور نمیشود.

ر : هر فرد وطنپرستي كه پلتفرم و اساسنامه « جبهه...» را قبول ، ولي براي پيشبرد امور و وظائف عملي آن فعالانه سهم نگرفته و حق العضويت نپردازد ، عضو نبوده اما ميتواند هوادار « جبهه...» محسوب گردد و بنا بران حق رأي و كاندید شدن را ندارد.

فصل چهارم

بند ۴ - حقوق و وظائف اعضا

حقوق اعضا

- الف : تساوي حقوق میان اعضا - چه زن و چه مرد - يك اصل مهم و دموكراتيک در « جبهه...» است؛ داشتن يك فكر ، جنس ، مليت ، نژاد ، زبان و مذهب هيچگاه نميتواند عامل تبعيض و امتياز گردد.
- ب : هر عضو حق دارد نظرات ، پيشنهادات و انتقادات خود را پيرامون مسایل مطروحه ، آزادانه بيان و هيچگونه محدوديتي در زمينه نميتواند وجود داشته باشد. پيروي از يك نظر و پيشنهاد مشخص مستلزم تأييد اكثريت است.
- ج : مخدوش گردیدن حقوق اعضا به هر نحويكه باشد ، ناقض اساسنامه « جبهه...» است. اعتراض و رسيدگي به اين امر از طريق مراتب تشكيلا تي ، حق بديهي و مسلم هر عضو ميباشد.
- د : هر عضو حق دارد از « جبهه...» كناره گيري نمايد؛ پذيرش عضويت مجددش به ارائه دلايل قانع كننده توسط عضو سابق و تطبيق نكته 3 بند 4 فصل سوم بستگي دارد.
- ذ : هر عضو در صورتيكه از عضويت وي سه ماه سپري گردیده باشد ، حق رأي و كاندیدي در ارگانهاي تشكيلا تي «جبهه...» را دارا ميباشد.
- ر : اعضاي « جبهه...» ميتوانند از يك يا چند عضو هيأت مسؤلان عملا سلب اعتماد نمايند؛ براي رسيدگي به اين امر و اتخاذ تصميم ، كنگره فوق العاده فراخوانده ميشود.
- ز : اعضاي « جبهه...» حق ندارند در سازمان هاييكه فعاليت شان با روح و مضمون پلتفرم و اساسنامه « جبهه...» منافات دارد عضويت داشته و يا همكاري نمايند.

وظائف اعضا

- الف : هر عضو وظيفه دارد از مواضع سياسي و سازماني « جبهه...» در همه جا دفاع نمايد.
- ب : پيروي از تصاميم و خواست اكثريت در « جبهه...» ، وظيفه هر عضو ميباشد.
- ج : برعهده هر عضو است كه وظائف محوله خود را بوجه احسن ايفا و گزارش آنرا به « جبهه...» ارائه نمايد.
- د : حفظ روحيه تعاون و همكاري در انجام امور ، احترام متقابل در میان اعضا و دوري گزیدن از هرگونه اهانت شخصي و اتهام بيمورد ، يك اصل خدشه ناپذير در « جبهه...» ميباشد.
- ذ : خودمركزبيني و كم بها دادن به كار ديگران هرچند « كوچك » هم باشد ، ناقض پرنسپي تشكيلا تي « جبهه...» بوده و مردود است.

فصل پنجم

بند ۵ - اخراج اعضا

الف : اخراج اعضا از « جبهه...» بنا بر پیشنهاد هیأت مسؤلان توأم با ارائه دلایل قناعت بخش ، با رأی اکثریت دو ثلث اعضاي حاضر در کنگره ، عملي ميگردد.

ب : مخالفت با پلتفرم و اساسنامه « جبهه...» ، منجر به اخراج اعضا ميگردد.

فصل ششم

بند ۶ - تشکيلات

ارگانهاي تشکيلاتي « جبهه...» مرکب اند از جلسات عادي ، کنگره عادي ، کنگره فوق العاده و هیأت مسؤلان.

1- جلسات عادي سراسري:

الف : در شهرها و نواحي ايکه اعضاي « جبهه...» از سه عضو و يا بيشتر در نزديکي هم اقامت دارند ، جلسات عادي در همچو واحدي - البته متناسب با شرايط آن واحد - بصورت مرتب انعقاد مييابند.

ب : انعقاد رسمي جلسات سراسري که هیأت مسؤلان فرا ميخوانند ، با نصاب اکثریت (دو ثلث) اعضاي « جبهه...» صورت ميپذيرد.

ج : تضاميم و مصوبات هر جلسه براي پيشبرد وظيف عملي « جبهه...» اعتبار رسمي داشته و مرعي الاجرا ميباشند.

2 - کنگره عادي:

الف : کنگره عادي عاليترين مرجع باصلاحيت « جبهه...» است که در آن تضاميم اساسي اتخاذ و سال يکبار دابر ميگردد.

ب : انعقاد رسمي کنگره عادي با موجوديت دو ثلث اعضاي « جبهه...» عملي (1) ، تضاميم و مصوبات آن با رأی اکثریت اعضاي حاضر در کنگره ، شکل قانوني بخود ميگيرد.

ج : کنگره عادي براي پيشبرد امور « جبهه...» ، شش نفر از اعضاي حاضر در کنگره را با رأی اکثریت ساده 51% ، براي مدت يکسال بچيث هیأت مسؤلان و اعضاي عل البدل انتخاب مينمايد.

د : هیأت مسؤلان پس از قرائت گزارش تحريري کار يکساله خود به کنگره ، خود بخود از وظيفه خويش سبکدوش ميگردند؛ ولي حق کانديداي مجدد را دارند.

ذ : تصويب ، تغيير و تعديل پلتفرم و اساسنامه ، تعيين هیأت مسؤلان و طرح پلان کار يکساله ، از صلاحيت کنگره عادي ميباشد.

ر : تصويب ، تغيير و تعديل پلتفرم و اساسنامه با رأی 75% اعضاي حاضر در کنگره عادي و يا اکثریت 75% نمايندگان به آن ، صورت مي پذيرد (2).

3- کنگره فوق العاده

الف : کنگره فوق العاده در موارد مشخصی مثل پیشنهاد سلب اعتماد از هیأت مسؤلان ، عدم انتخاب هیأت مسؤلان در کنگره عادی ، رسیدگی به مشکلات و مسایل فوری و ناگهانی بخواست 50% اعضاي « جبهه...» و یا پیشنهاد دو عضو هیأت مسؤلان و یا بنا به تصمیم کنگره عادی ، بطور رسمی دعوت و با حضور دو ثلث اعضاي « جبهه...» و یا نمایندگان (3) انعقاد مییابد.

ب : در صورتیکه هدف انعقاد کنگره فوق العاده ، سلب اعتماد از چند عضو هیأت مسؤلان باشد ، رأی مساعد دو ثلث اعضاي « جبهه...» لازم است.

ج : سلب اعتماد از يك یا هر سه عضو هیأت مسؤلان قبل از به سررسیدن دوره انتخابی شان.

4- هیأت مسؤلان

الف : هیأت مسؤلان رسماً مسؤل پیشبرد امور « جبهه...» بوده و وظایف شان در سه بخش جداگانه و مستقل مشخص میگردد؛

البته با در نظرداشت پرنسپ اساسی « جبهه...» مبنی بر کار دسته جمعی ، آنها از اجراء خویش در قبال کنگره مسؤلیت فردی و مشترک دارند:

- 1- مسؤل امور تشکیلاتی و مالی
- 2- مسؤل امور فرهنگی و نشراتی
- 3- مسؤل امور ملی و بین المللی

ب : هیأت مسؤلان میتوانند در همه جا بطور رسمی از « جبهه...» نمایندگی نمایند.

فصل هفتم

بند ۷ - انحلال "جبهه..."

الف : با پایان یافتن علل وجودی « جبهه...» - آنچنانکه در پلتفرم و اساسنامه آن قید گردیده است - انحلال « جبهه...» نیز اعلام میگردد.

ب : انحلال « جبهه...» بموجب مفاد نکته 1 بند هشتم فصل هفتم و یا بدلیل خارج از آن با رأی اکثریت 75% اعضاي حاضر یا نمایندگان در کنگره ، شکل رسمی بخود میگیرد.

فصل هشتم

بند ۸ - اموال « جبهه...» پس از انحلال

الف : پس از انحلال ، اموال ، دارایی و اسناد « جبهه...» در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ، در دسترس جریانات انقلابی ملی و یا انترناسیونالیستی قرار داده میشود.

- (1) در صورت افزایش چشمگیر اعضای « جبهه...» ، مسئله اعزام نمایندگان به کنگره مطرح و برای تکمیل نصاب و انعقاد رسمی کنگره ، بجای دو ثلث اعضا ، اکثریت آرای نمایندگان اعزامی مدنظر گرفته میشود.
- (2) در صورتیکه نظام اعزام نماینده ، با نظرداشت یادداشت نکته 2 کنگره عادی ، نافذ باشد.
- (3) به یادداشت نکته 2 کنگره عادی مراجعه شود.

اپریل 2002
